

استاد سخن : وحید دستگردی

## مکاتبه ادبی

در سال ۱۳۰۲ شمسی مکاتبه ادبی منظوم زیر که در نزد سخنوران معاصر شهرتی بسزا دارد بین استاد بزرگ سخن وحید دستگردی و گوینده استاد ایرج میرزا که در آن زمان در مشهد میزیسته اتفاق افتاده که با چاپهای مکرر بدرخواست عده‌ای از خوانندگان ارمنان مجدداً بطبع آن اقدام میگردد.



زهی بیاد توام روز و شب روان خرسند.  
 چو از روان سخن تو سخنوران خرسند  
 یگانه استاد (ایرج) خدای فکر بدیع  
 که از معانی تو میشود بیان خرسند  
 تویی بکالبد نظم و نثر روح روان  
 بنظم و نثر تو زان میشود روان خرسند  
 ز طرح تازه تو در سخن بیاغ جنان  
 روان پاک اساتید باستان خرسند  
 ز رایگان در نظمت روان دانش تاد  
 چنانکه خسرو از گنج شایگان خرسند  
 از آن زمانه ترا قدر و منزلت نشناخت  
 که بخرد است غمین ابله از جهان خرسند  
 بمهد عهدند اطفال چند و طفلان راست  
 دل از عروسك بازی و گردگان خرسند  
 رسد که روزی این كودك عروسك باز  
 بنوعروس سخن گردد از جهان خرسند  
 اگر سپهر ترا زیر دست سفته نشاند  
 چه غم که نیست بجز سفته از جهان خرسند  
 بود بدریاد در در نشیب و خس بفراز  
 تو در بحر وجودی و باش از آن خرسند  
 خس فراز نشین تخت غوك و خرچنگ است  
 در نشیب کند افسر از نشان خرسند

در این زمانه که سیل غم و حوادث چرخ  
 نه خانه ماند نه کس را بخانمان خرسند  
 جمال شعر تو خرسند داشت جان وحید  
 چو از (کمال الدین) جان اصفهان خرسند

استاد ایرج میرزا جلال الممالک

پاسخ



ستوده طبع (وحیدا) رسید نامه تو  
 شد از رسیدنش این جان ناتوان خرسند

ز گفته‌های تو در وصف خویش خرسندم  
 چنانکه از کرم ابر بوستان خرسند  
 نه من به تنها خرسند از آن شدم که شود  
 برای هر که فرستند (ارمغان) خرسند  
 اخ الفضائل و ام المکارمی وز تو  
 روان بوالفرج و ابن خلکان خرسند  
 زمانه فرصت این حرفها بما ندهد  
 غمین مباش اگر نیستی بجان خرسند  
 بهره درنگری چون من و تودلتنگ است  
 گمان مبر که بود کس در این جهان خرسند  
 اگر ز درد دل بنده با خیر باشی  
 شوی ز درد دل خویش بی گمان خرسند  
 من از روان خود آزرده‌ام ولی مردم  
 از اینکه هست فلان شعر من روان خرسند  
 چنانکه در غم جان‌کندن است مرد صلیب  
 بنظره جمعی در پای دار آن خرسند  
 تمام بپهنرانند خلق دوره ما  
 چسان شود دو هنرور در آن میان خرسند  
 ز رنج اهل دل ارباب ملک خرسندند  
 چنانکه راهزن از ضعف کاروان خرسند  
 من ارمولود گذشتم از این جهان سهل است  
 بجای بنده بمانند دوستان خرسند